

**نویسنده:** سلمان رفیع شیخ (Salman Rafi Sheikh).  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2018-04-06».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## جنگ در افغانستان پایان نیافته است ، دیپلوماسی ایالات متحده امریکا برای یافتن متحدین جدید

Afghanistan The war is not over US Diplomacy to find new allies



جای هیچ شک و شبهه و یا هیچ دغدغه ای وجود ندارد که امریکا بعد از «17» سال جنگ در افغانستان بر راحتی صلح را بگونه صلح آمیز فراهم سازد و آنهم چونکه جنگ تا هنوز در افغانستان تمام نشده است. و از سوی دیگر تا هنوز اجندای و برنامه ای از قبل مطرح شده ای مهاجم و یا متجاوز به پایان نرسیده است. و مهاجم با استفاده از ابزارهای مختلف در صد د انکار و طفره رفتن از فراهم شدن و تا مین صلح در افغانستان میباید شد.

گرچه که ایالات متحده امریکامهاجم ، ظاهر آگوس صلح خواهی را می گوید و یا تلاش خود را برای تدویر مذاکرات صلح با طالبان افغانستان از طریق رژیم دست نشانده و تحت حمایتش در کابل افزایش داده است ولی در واقعیت امر این همه تلاش های او جعلی و فریبنده است ؛ اما چیزی که روشن و هویدا است این است که اجندای کامل امریکا تبدیل ساختن افغانستان به یک پایگاه راهبردی «ستراتژیکی» دایمی در منطقه است که بتواند از این پایگاه ؛ آسیای مرکزی

روسیه ویک کمر بند ویک جاده پلانزی شده ای چین را از نزدیک تحت نظارت خود داشته باشد. لذا بادر نظر داشت این اصل بازی با اتهامات ویا اتهام زنی امریکا که قبلاً تنها در پاکستان متمرکز بود اکنون دامنه این بازی اتهام زنی به روسیه نیز گسترش داده شده است تا جاییکه ایالات متحده امریکا با این بازی اتهام زنی خود روسیه را محکوم میکند که به طالبان افغان سلاح ومهمات جنگی فراهم میسازد یعنی که طالبان را با سلاحهای روسی مسلح میسازد وآنهم زمانیکه روسیه با حسن نیت طرف های درگیر در قضیه افغانستان را بخاطر تا مین صلح و بیرون رفت از این جنگ فرسایشی به مذاکرات دعوت می نماید و بخاطر این هدف شریفانه حاضر به تدویر کنفرانس ها در زمینه میگردد ولی با بازی اتهامات روبراه شده ای امریکا حتی که مذاکرات حمایت شده از سوی ایالات متحده امریکا در افغانستان باعث سقوط شکار این بازی شده است که شواهد آنرا در کنفرانس منعقد اخیر در تاشکند دیدیم.

به همین ترتیب در حالیکه در کنفرانس تاشکند تعدادی از کشورها در آن مشارکت نمودند وهمه اشتراک کنندگان در یک توافق منطقه ای باهم در مورد دریافت راه ها و ابزارهای بودند تا که اگر بتوانند طالبان را راضی به مذاکره ودعوت به میز مذاکره نمایند تشکیل شد. اما متأسفانه ایالات متحده امریکا نخستین کشوری بود که در راه برگزاری این کنفرانس قبل از تدویر آن از هیچ گونه سنگ اندازی و ایجاد موانع خود داری نکرد وخواست که همه راه ها وامکانات پیشبرد کنفرانس تاشکند را قبل از برگزاری آن مسدود کند.

چنانچه چند روز قبل از تدویر کنفرانس تاشکند فرمانده کل قوای نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان جنرال نیکلسون مصاحبه ای با سرویس خبری «بی بی سی» نمود و او در مصاحبه ای خود یک بار دیگر روسیه را متهم ساخت که طالبان افغان را مسلح میسازد واین روسیه است که تلاش های صلحجویانه ای ایالات متحده امریکارا بخاطر تامین صلح در افغانستان نادیده میگیرد. میخواهد که تلاش های صلح امریکا تضعیف گردد.

**نیکلسون** در ادامه مصاحبه خود گفت: ما میدانیم که روس ها سلاح ومهمات جنگی را بشکل قاچاق از طریق مرز تاجکستان به افغانستان داخل میکنند.

از سوی هم زمانیکه دیپلومات های کشورهای منطقه بشمول روسیه در حال آماده شدن به برگزاری کنفرانس تاشکند بخاطر توافق به یک اجماع بودند جنرال نیکلسون به توصیف افغانستان بعنوان الگوی جدید جنگ سرد میان غرب و روسیه پرداخت وخواست که همه ارزوها وامیدهای را که در حال جوانه زدن به یک اجماع منطقوی بود از ریشه بخشکاند وتلاش بخرج داد که بصورت جداگانه این گردهمایی واجماع را بی اهمیت جلوه دهد.

او یعنی جنرال نیکلسون افزود که درگیری وگرفتاری فعال روسیه در این روزها در افغانستان در حال افزایش است وآنهم به این اصرار و ارزیابی که حضور واستقرار (آی اس آی اس) در عقب مرزها ودر همسایگی روس دیده میشود وروسیه از این حضور راضی نیست. نیکلسون به ادامه گفت: که فعالیت چند جانبه روسیه در (18) تا (24) ماه گذشته در افغانستان افزایش قابل ملاحظه یافته است تا جاییکه ما قبلاً همچو فعالیت های بی ثبات کننده روسیه را

در اینجا ندیده بودیم . بهر صورت زمانیکه شما به زمانبندی رویداد ها نگاه کنید در می یابید که تقریباً همه چیزها با گرم شدن وقایع در سوریه ، رخداد ها یکی بعد از دیگری در تسلسل و در ارتباط باهم قرار میگیرد و این گرم شدن رخدادها طبعاً با وضع کنونی در همبستگی قرار داشته است بنا بر این جالب است که زمانبندی همه چیزها را قابل جلب توجه میسازد.

با این سطح اتهامات که توسط ایالات متحده امریکا اشغالگر به روسیه تحویل داده میشود بغضی هارا به این باور میسازد که مهاجم یعنی امریکا اشغالگر میخواهد که در افغانستان صلح تامین شود . اما سوال هنوز این است که ایالات متحده امریکا با این طرز فکر ضد روسی زمانیکه کنفرانس تاشکند برگزار شد آیا واقعاً از آن انتظار صلح برده میشود؟ ویا آیا این امیدواری وجود داشت که نوع اجماع در منطقه ایجاد شود؟ که از پایان دادن به جنگ حمایت کند؟ ویا اینکه بگونه مسامحه با حمایت طولانی مدت باز حضور نظامی ایالات متحده امریکا در اینجا صلح تامین خواهد شد؟

**این حضور باز ویا اشکار نظامی در افغانستان که در عقب آن ایالات متحده امریکا قرار دارد حضوری است که نمیتواند بدون حمایت از بازیکنان کلیدی منطقوی تحمیل شود** و نیز نمیتوان که این بازیکنان منطقوی کلیدی دولتی را به سختی مسول پنداشت « واما به گفته و نویسنده این مقاله چونکه نویسنده از اتباع کشور پاکستان است و ارادتاً دشمنی اش را باکشور هند دارد به نحوه از آنجا از هند بدگویی باید کند ..... تبصره از مترجم » شاید که این بازیکن کلیدی منطقه ای کشور هند باشد. که ممکن است از حضور امریکا در افغانستان حمایت کند لذا بادر نظر داشت این اصل تلاش های ایالات متحده امریکا ؛ در از دیا و بالا بردن فعالیت های دیپلوماتیکی اش در آسیای میانه نه تنها برای حمایت از حضور خود در افغانستان نیاز دارد بلکه همچنین برای ایجاد یک مسیر جاگزین بغرض تامین منافع نظامی خود بیشتر نسبت به پاکستان و روسیه به افغانستان ضرورت مبرم دارد که در اینجا بماند.

این خواسته در این تازه گی ها با توجه به همکاری قابل توجهی میان آسیای مرکزی و اتحادیه اروپا و بین کشورهای آسیای مرکزی و ایالات متحده امریکا با حمایت توسط گروه های جدید منطقه ای در قالب (5+1) نامگذاری شد. حتی قبل از تدویر کنفرانس تاشکند در افغانستان ، نماینده اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی جلسه ای برگزار کردند که چهار ماه بعد از آخرین نشست وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی در سمرقند در ماه نومبر سال (2017) و دو هفته بعد از آن نشست غیر رسمی کشورهای آسیای مرکزی در استانه برگزار شد - اما چیزی نا امید کننده ای که به بار آمد این بود که این نشست به ارتباط افغانستان دستاورد مسرت باری در پی نداشت حالانکه این کشورها میتوانند که در ثبات افغانستان نقش مهم را بازی کنند .

بهر صورت در محاسبات ایالات متحده امریکا ، روسیه درگیر فعالیت های بی ثبات کننده در افغانستان است . بنا بر این اگر ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا در تلاش برای بالا بردن

نقش دولت های آسیای مرکزی در افغانستان برای آوردن ویا تحقق نسخه ای ثبات امریکا باشند بطور منطقی به این معنی است که ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا - کشورهای آسیای مرکزی را به گروه بندی منطقه ای ضد روسی میخوانند تبدیل کنند. لذا این توافق منطقه ای را که میتوان به آن نام اجماع منطقه گذاشت ؛ میتواند که مسیر عرضه جاگزین ویا بدیل را پیدا کند که این خود بخشی از تلاش های دیپلماتیک ایالات متحده امریکا است که کشورهای آسیای مرکزی را از مدار روسیه و چین خارج کند.

اما تاجیکه فکر میشود ایالات متحده امریکا به این هدف خود دست نخواهد یافت و آن اینکه روسیه همین اکنون در آسیای مرکزی حضور بسیار مهم و نیرومند دارد و این امریکا است که با سرخوردگی تمام روسیه را متهم می سازد که از مرزهای تاجکستان به افغانستان سلاح و مهمات جنگی را بشکل قاچاق داخل میسازد که این خود نشاندهنده ویا انعکاس دشواری متروک شدن روابط روسیه و قزاقستان میباشد و اما از سوی دیگر برای دیگران یعنی برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس افزایش حضور داعش در افغانستان و بخصوص استقرار شاخه دولت اسلامی افراطی عراق و شام بنام دولت اسلامی خراسان در افغانستان خسته کننده شده است یعنی کسانی که برخلاف طالبان افغان میخوانند برای تخریب و ترور خود را به آسیای مرکزی برسانند. و با جنبش های اسلامی افراطی در کشورهای آسیای مرکزی ارتباط تامین کنند بخصوص با جنبش اسلامی ازبکستان.

ثانیاً همکاری با ایالات متحده امریکا به معنی داشتن یک حضور نظامی طولانی مدت و باز در افغانستان توأم با یک درگیری و با یک وضعیت ناپایدار از خواست و نیاز مبرم امریکا میباشد .

بنابراین برای کشورهای آسیای مرکزی ، همکاری با ایالات متحده امریکا به احتمال زیاد هزینه ای بسیار بیشتری از همکاری با روسیه و چین در آوردن جنگ به پایان مذاکره دارد که ایالات متحده امریکا این پایان را نمیدهد و این به این مفهوم است که امریکا میخواهد این جنگ هر چه طولانی تر باقی بماند تا که بتواند روسیه و چین را خسته و حفه کند و همچنین به این معنی است که کشورهای آسیای مرکزی در برابر این جنگ قرار نگیرند و نباید مستقیماً در این جنگ دخالت کنند.

**« 2018-04-12 » با تقدیم سلامها** -----